

آیا Biopolitik¹ "سیاست زیستی دمکراتیک امکان‌پذیر است؟

پانگیوتیس سوتیریس²

برگردان: کاووس بهزادی

لینک کوتاه: <https://wp.me/paiHc5-rG>



گنورگیو آگامین در آخرین مقاله‌اش اقدامات انجام شده برای مقابله با پاندمی کووید - 19 را به‌عنوان کاربست سیاست زیستی در "وضعیت اضطراری" خصلت‌بندی کرده و به گفتن مهمی پیرامون چگونگی درک ما از سیاست زیستی دامن زده است. مفهوم سیاست زیستی، به شکلی که میشل فوکو آن را صورت‌بندی کرده است، در درک تغییر اشکال قدرت و اجبار در مرحله‌ی گذار به تجدد سرمایه‌داری، یعنی از تبدیل قدرت حاکم در اعمال حق در باره‌ی زندگی و مرگ، به قدرتی که سلامت و بارآوری جمعیت را

¹ Biopolitic یک اصطلاح فوکویی است. به‌نظر او در اواخر سده‌ی هیجدهم سیاست علاوه بر حوزه‌های حقوقی و قلمرویی، یک حوزه‌ی زیستی نیز پیدا کرد و آن مدیریت تولد، مرگ، بیماری و بازتولید جمعیت بود. توضیح: حسن آزاد

² پانگیوتیس سوتیریس خبرنگار و استاد دانشگاه آزاد هلنیک و از فعالین حزب وحدت مردم در آتن است.

تضمین می‌کند، دست آورد بسیار مهمی بود: قدرت فرمانروا به‌عنوان مرجع حق زندگی و مرگ؛ تا قدرتی که برای تضمین سلامت (و بارآوری) مردم تلاش می‌کند. این تغییر تاکنون منجر به گسترش بی‌مانند تمام اشکال دخالت‌گری، فشار و تهدید از جانب دولت‌ها شده است. از واکنش‌زنی اجباری تا ممنوعیت کشیدن سیگار در اماکن عمومی - کاربست مقوله‌ی سیاست زیستی در بسیاری از موارد به درک ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک راهکارهای بهداشتی و درمانی کمک می‌کند.

سیاست زیستی هم‌هنگام امکان بررسی پدیده‌های گونه‌گون را از حافظه‌ی عمومی پسرانده شده، به‌طور نمونه تلاش‌های "نژادپرستی علمی" و گرایش‌های خطرناک علم اصلاح نژاد را نیز فراهم می‌کند. آگامین از میانی سیاست زیستی به‌نحوی سازنده برای نظریه‌سازی اشکال مدرن "وضعیت فوق‌العاده" استفاده و عرصه‌هایی را تشریح می‌کند که در آن‌ها گونه‌های افراطی قهر به‌طور نمونه در اردوگاه‌های کار اجباری عملی می‌شوند.

کووید - 19 و سیاست زیستی

مقابله با پاندمی کووید - 19 پرسش‌های مهمی را مطرح کرده است که با سیاست زیستی ارتباط دارند. برخی مفسران مطرح کرده‌اند که چین با کاربست اقتدارگرایانه‌ی سیاست زیستی فراگیری پاندمی را کندتر یا مهار کرده است: از طریق ممنوعیت فعالیت‌های اجتماعی، کاربست قرنطینه‌ی گسترده و درازمدت، و زرادخانه‌ی عظیمی از ابزارهای فشار و تهدید، فناوری، کنترل، ردگیری و مراقبت که دولت چین آن‌ها را در اختیار دارد.

برخی از مفسرین بر این نکته تأکید می‌کنند که دموکراسی لیبرال اساساً از ابزار فشار و تهدید دولت برخوردار نیست و به همین دلیل نیز دولت صرفاً بر تغییرات آزادانه رفتاری توسط خود فرد متکی است که اتخاذ اقدامات یکسان برای مبارزه با پاندمی را دشوار می‌کند.

به نظر من ساده‌انگاری است که این معضل را صرفاً به‌مثابه‌ی معضل‌گزینش بین راه‌حل سیاست زیستی اقتدارگرایانه و سیاست زیستی لیبرال متکی بر کنش منطقی فرد توضیح بدهیم. بدیهی است که نباید اقدامات برای تضمین سلامت همگانی نظیر قرنطینه یا "فاصله‌ی اجتماعی" را به‌عنوان راهکارهایی سیاست زیستی بسادگی مردود اعلام کنیم و بدین‌نحو به تأثیرات مفید و بالقوه‌ی آن‌ها توجه نکنیم. این اقدامات تا زمان کشف واکنش و داروی مناسب بر اساس دستورالعمل‌های پزشکی سده‌ی نوزدهم برای کاهش ابتلاء به کرونا سودمند می‌باشند؛ به‌ویژه برای آن گروه‌های سنی که بیشتر در معرض خطر ابتلا به این ویروس قرار دارند. در ضمن نباید فراموش کرد که زیرساخت‌های سیستم سلامت عمومی حتی در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری بدلیل سیاست‌های اقتصادی سال‌های اخیر چنان وضعیت وخامت‌باری پیدا کرده که در واقع این سیستم قادر نیست اقدامات لازم برای کاهش سرعت ابتلاء به کرونا و در زمانی که اپیدمی به نقطه‌ی اوج برسد به بیماران کمک کند.

بنابراین برعلیه آگامبن می‌توان گفت که یک بازنشسته در لیست انتظار برای دستگاه تنفس یا مراقبت‌های ویژه در سیستم سلامت در هم فروپاشیده بیشتر به "حیات عریان"³ نزدیک‌تر است تا روشنفکری که مشغولیتش قابلیت اجرایی اقداماتی نظیر قرنطینه است.

ارجاع مجدد به فوکو؟

من با توجه به مطالب مطرح شده در بالا ارجاع دیگری را به فوکو پیشنهاد می‌کنم. ما گه‌گاه فراموش می‌کنیم که فوکو درک بیش از اندازه نسبت‌مند از شیوه‌ی اعمال قدرت دارد. در این رابطه طرح این پرسش موجه است که آیا سیاست زیستی دموکراتیک یا حتی کمونیستی امکان‌پذیر است؟

این پرسش را به نحو دیگری مطرح کنیم: آیا این امکان وجود دارد که با عمل‌کردهای دسته‌جمعی سهمی برای سلامتی مردم ادا کرد، عمل‌کردهایی که بتوانند باعث تغییرات رفتاری در ابعاد گسترده، آن‌هم بدون گسترش هم‌هنگام اشکال اجبار، ردگیری و مراقبت شوند؟

خود فوکو در اثر متأخرش چنین سمت‌گیری را از طریق مقوله‌هایی نظیر حقیقت، آزادی بیان و خودمراقبتی مطرح کرده است. او در گفتگوهایی بسیار مبتکرانه با فیلسوفان جهان باستان بدیل سیاست زیستی را مطرح می‌کند که مراقبت فردی را بدون هرگونه اقدامات سرکوبگرانه با مراقبت دسته‌جمعی پیوند می‌دهد.

بر مبنای چنین نگرش‌های راهکارهای محدودیت تردد و فاصله‌ی اجتماعی در دوران اپیدمی، ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی یا برای جلوگیری از اقدامات و رفتارهای فردی و جمعی ضد محیط زیستی به صورت دموکراتیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و تصمیم‌گیری پیرامون آن‌ها به صورت جمعی اتخاذ می‌شود. یعنی فراروی از انضباط صرف جامعه‌گرایی به مسنولیت و تحول آگاهانه آن در قبال دیگران و خودمان. فراروی از چنین وضعیتی که تشویش دائمی فردی در آن می‌تواند هرگونه انسجام اجتماعی را فروبریزد به ایده‌ی تلاش دسته‌جمعی، هماهنگی و همبستگی در یک مبارزه‌ی مشترک، راهکارهایی هستند که در وضعیت اضطراری سلامت می‌توانند به هم آن اندازه‌ی اقدامات پزشکی مهم باشند.

³ اصطلاح *nackten Leben* حیات عریان، یا حیات محض یک اصطلاح آگامبنی است. او طبق نظر ارسطو و بعد از او هانا آرننت و میشل فوکو، حیات را به *zoe* و *bios* تقسیم می‌کرد: اولی به معنای عام تمام موجودات زنده را در برمی‌گیرد و دومی صرفاً حیات انسانی را در بر می‌گیرد که دارای بار اخلاقی و سیاسی است. به نظر آگامبن حیات عریان، حیاتی است غیرانسانی، نه انسانی و نه حیوانی و در مرزهای اخلاق و سیاست. این مفهوم در آثار بعدی او *homo sacer* و *remnants of Auschwitz* نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد. توضیح: حسن آزاد.

بدین ترتیب امکان تحقق بیوپلیتیک فراهم می‌شود که می‌تواند بر خودسازماندهی مردمی دانش، استوار باشد: افزایش دستیابی به دانش که مستلزم اقداماتی برای تعمیم و ارتقا دانش مردم است و امکان تحقق فرایندهای تصمیم‌گیری دسته‌جمعی را فراهم می‌کند. فرایندهای تصمیم‌گیری که بر دانش و فهم دانش استوارند و نه بر خبره‌گی کارشناسان.

بیوپلیتیک از پائین

مبارزه با اچ آی وی/ ایدز و بدنام‌سازی مبتلایان به این بیماری، تلاش برای آگاه‌سازی مردم از این مساله که خطر ابتلاء به ایدز فقط محدود به برخی گروه‌ها نیست، مطالبه‌ی روشنگری پیرامون عملکردهای جنسی مطمئن، تأمین بودجه‌ی بسط و تکامل درمان‌شناسی و دسترسی به خدمات بهداشت عمومی بدون مبارزه‌ی جنبش‌هایی نظیر **ACT UP**⁴ امکان‌پذیر نیست. این جنبش نمونه‌ی است که نشان می‌دهد عمل‌کرد بیوپلیتیک از پائین چگونه می‌تواند باشد.

در واقع نیز در شرایط کنونی جنبش‌های اجتماعی از زمینه‌ی گسترده‌ای برای کنش‌گری برخوردارند. این جنبش‌ها می‌توانند درخواست‌هایی را برای کمک به سیستم سلامت عمومی و افزایش فشار بیشتر در دوران پاندمی مطرح کنند. این جنبش‌ها بر خلاف وحشت‌زدگی فردی در "مبارزه برای بقا" می‌توانند بر ضرورت همبستگی و خودسازمان‌یابی دسته‌جمعی در دوران بحران تأکید کرده و خواهان قدرت دولتی بیشتر برای جابه‌جایی منابع مالی و مادی از بخش خصوصی به بخش اجتماعی شوند. همچنین آن‌ها می‌توانند خواهان تغییر اجتماعی به‌عنوان اقدام فوری ضروری برای نجات جان انسان‌ها شوند.

برگردان مقاله از انگلیسی به آلمانی کای فلد‌هایم و هنا شوریان.

منبع: [Ist eine demokratische Biopolitik möglich?](#)

برگرفته از سایت "بنیاد روزا لوکزامبورگ"

⁴ ائتلاف ایدز برای رهاسازی و قدرت یک گروه سیاسی بین‌المللی و مردمی است که برای پایان دادن به همه‌گیری ایدز تلاش می‌کند. این گروه برای بهبود زندگی مبتلایان به ایدز از طریق اقدام مستقیم، تحقیقات پزشکی، معالجه و وکالت و تلاش برای تغییر قوانین و سیاست‌های عمومی تلاش می‌کند. توضیح برگرفته از تارنمای این گروه

